

..... پایان یک تراکنش!

با بش ابوبکر البغدادی و کشته شدنش توسط کماندوهای آمریکائی قبل از آنکه ارزش عملیاتی داشته باشد برخوردار از تراکنش سیاسی است. حذف فرمانده داعش بوی یک معامله سیاسی را می‌دهد که می‌تواند موید تبادلی دو یا چند جانبه بین طرفهای درگیر در مناقشه خاورمیانه باشد.

قدر مسلم واشنگتن طرف اصلی چنین معامله خوش‌سودی می‌تواند باشد آن هم در موقعیتی که ترامپ از ناحیه ناکامی و ناکارآمدی در سیاست خارجی بشدت در مضيقه بود و اکنون با توسل به جنازه البغدادی می‌تواند و توانست واریته و شوافی مُهیج از توفیقی بزرگ در یکی از حوزه‌های سیاست خارجی آمریکا را کارناوال کند!

ظاهرا بعد از تصمیم ترامپ جهت خروج ارتش آمریکا از سوریه طرفین برای یک پاکسازی مرضی‌الطرفین به منظور جُرمشوئی و پاک کردن «شواهد ایذائی» به توافق رسیدند و معامله بر سر البغدادی یکی از مفاد چنین توافقی می‌تواند باشد!

هر چند هلاکت البغدادی کمترین جای را تاسف ندارد اما عبرتی است برای دیگر پاپتها ائی که مانند وی با توهمندی خویش‌باشی در زمین سیاستی بازی می‌کنند که قواعدش را اصحاب قدرت تعریف کرده و همان اصحاب قدرت با تمام شدن تاریخ مصرف آن پاپتها و در راستای تحصیل منویات خود ایشان را لامحالم «ریسا یکل» (!) می‌کنند.

#داریوش_سجادی

#ابوبکر_البغدادی

#ترامپ

#داعش

عبور از اصلاحات

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_27-6_48_16_220_WV0.mp4

بیستاره‌ها!

ابراهیم حامدی (ابی) آوازخوان خوش صدای نسل پهلوی در جدیدترین خوانش خود تحت عنوان «کوچه نسترن» جاعلانه با تحریف تاریخ و ارائه تصویری ناراست از جنگ تحملی کوشیده «آب به تاریخ ببندد»! و ناجوانمردانه و لاکن ناکامانه تلاش کرده سیبزمینی صفتی خودآیشان در جنگ تحملی را با «شهیدرُ بائی» استتار نماید! تلاشی نامنصور که از آن طریق تنها توانسته بیحظی خود و کلنی فارسی زبانان لوسنجلس نشین از واقعیت‌های ایران نوین را عربان و هویدا کند!

جناب آقای حامدی!

هر چند جهستان در تحریف تاریخ قابل فهم است لاکن چنین جهدی لزوماً ماخوذ به نتیجه نیست.

پیش از شما و در اقدامی مشابه همسر رجب طیب اردوغان در سفر به ایالات متحده آمریکا کلاهبردارانه ضمن مصادره مولانا به عنوان شاعری اهل ترکیه (!) سه جلد ترجمه انگلیسی دیوان اشعار مولانا را در مقام پیشکش به «لورا بوش» همسر رئیس جمهور وقت هدیه کرد!

هر چند در همان زمان خطاب به رَبِّ با یشگران مولانا گفتم گیریم مولانا را به دروغ بنام خود سند زدید لاکن با کدام ترفندی توان آنرا خواهید داشت تا حلاوت اشعار فارسی مولانا را به انگلیسی معادل سازی کنید؟

آن یکی شیر است اندرا بادیه - و آن دگر شیر است اندرا بادیه
آن یکی میلک (Milk) است اندرا کالدرن (Cauldron)
و آن دگر لاین (Lion) است اندرا دزرت (Desert)
جناب آقای حامدی!

امروز نیز خطاب به شما می‌گوییم:

مذبوحانه نکوشید بی‌فروغی آسمان بیستاره خودآیتان را با مصادره «شهدای جنگ تحملی» ما به ازا کنید.

آنانکه کوشیده‌اید مصادره کنید همانانی بودند که جان عزیز خود را فدیه باشندگی کشورشان کردند تا پاسداشت نباشندگی شمایان در کنار و جوار خود و کشورشان، کرده باشند!

کمال ناجوانمردی است وقتی همین جوانان در دفاع از دین و میهن و نظام و انقلاب و امامشان به جبهه‌ها هجوم بردنند، شمایان با دریا

دریا داعیه وطن پرستی تا عمق لس آنجلس گریختید و به این زبونی نیز بسنده نکرده و نارفیقا نه با شش دانگ صدا در «نوں و پنیر و سبزی» امام آن مجاهدان را با اتصاف «جادوگر شهر بد» نشسته ای بر منبر خون خواندید که رسالتی جز گردن زدن عشاوق را بر عهده ندارد! آقای حامدی

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر
حَيَّوَان را خبر از عالم انسانی نیست
بوتیمارانه برای عشق مرثیه سرودهاید و ناپاکانه و ناسپاسانه از
دهان شهدای دفاع مقدس ابراز لحیه فرمودهاید که:
مادر نزار اسم من، اسم کوچه مون بشه
وقتی عشق نمی تونه توی کوچه پیدا شه
در حالی که «شیر زهله گان خمینی» با آونگ موسیقیائی امامشان در
جبهه ها رقص عشق می کردند آنگاه که امامشان به حلاوت و صلابت
فرزندانش را انگونه امامت و دلالت می کرد که:
برخی از جوانان مملکت در عنفوان جوانی عقال تمنیات دنیا را از
پای حقیقت عشق برگرفتند و سبکبانان به میهمانی عرشیان شتاافتند و
در مجمع ملکوتیان شعر حضور سرودها اند ... حال من خاکی در بند اول
کتاب منیت خود مانده ام و از این قافله با نگ جرسی می شنوم.

جناب آقای حامدی
بقول فروغ تان: پرواز را بخاطر بسپار. پرنده مُردنی است!
شهدای جنگ تحمیلی دُردا نه های ایران و فخر جهانند.
این دزدی است جناب حامدی!

رُبا یش دفینه ای که دلالت شجاعت و صلابت و حُربت و صداقت و پارسا ئی
یک نسل است، سرقت نیست - جنایت است.

#داریوش_سجادی

شطحیات یک رئیس جمهور!

باورداست دکتر روحانی از بدیهیات عقلی فاقد عمق اندیشگی است!
ایشان اخیرا فرموده اند:

شاید برخی دقت کافی نداشته باشند که شهامت، شجاعت، صبر در صلح
بالاتر از صبر و استقامت در جنگ است و چه بسا مصلحت امت و جامعه
اسلامی برای تندروها قابل فهم نباشد ... و امام حسن(ع) از چنین

شها متى برخوردار بودند ... هدف اسلام نه جنگ و نه صلح بلکه مصلحت اسلام و جامعه است.

جناب روحانى - علیرغم اصرارتان بر «تنزه طلبی‌های عالمانه» لakan فلتات کلام‌تان موید آنست که نه تبحیری در دروس حوزوی دارید و نه در گلاسکو توفیق آنرا داشته‌اید مباحث آکادمیک را به تامل و تعمق، تلمذ فرمائید!

بى جهت دوقطبی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نسازید و بر این دوگانه نکوبید. هر دو امام بدنبال استیفای عدالت بودند. دغدغه اسلام جنگ و صلح نیست و اهتمامی اگر هست در اقتضای حق و عدالت و تلاش بمنظور اعاده حق و استقرار عدل است.

جناب رئیس جمهور!

نقل این حرف‌ها نیست - دعوا بر سر تندروی و کندروی نیست. محل نزاع رهروی و کجروی است!

فرموده‌اید: در انقلاب اسلامی زمانی پیروز هستیم که در کشورمان اخلاق حاکم باشد. درشتگویی و سخنان غیرمنطقی و بیپایه و واهم و شعارات هیچ ربط و شباهتی به انقلاب اسلامی ندارد.

جناب پرزیدنت! واعظ غیر متعطر را منمایید!

اظهارات شاذ‌تان در دوران تبلیغات انتخابات را فراموش کرده‌اید؟ فردای پیروزی‌تان خطابتان کردم:

شما بُردید، باختید! در سودای سیاست و در طمع خلعت زعامت و با ابتلا به شهوت قدرت، اخلاق را با آن همه بیاخلاقی باختید! قدرت را بُردید اما اخلاق را باختید - معظم له!

.....

[مقاله شما رئیس جمهور من نیستید](#)
#داریوش_سجادی

شاذیات دکتر روحانی!

آقای حسن روحانی در جدیدترین اظهارات خود در جمع دانشگاهیان ابراز داشته‌اند:

بیش از ۴۰ سال است هنوز به جواب روش و قاطع نرسیدیم؛ عده‌ای می‌گویند تعامل سازنده با دنیا و عده‌ای هم می‌گویند تقابل مداوم ... استراتژی تعامل باشد یا تقابل؟ این مساله است. اگر در این مسائل

به نتیجه نرسیدیم، باید همه پرسی از مردم را برگزار کنیم.

...

متاسفانه اظهارات فوق و برخلاف انتظار دلالتی است بر فقد بضاعت و حزم سیاسی نزد رئیس جمهوری که طی ۴۰ سال گذشته در بالاترین سطوح سیاسی و امنیتی کشور عهده‌دار مسئولیت بوده‌اند.

جناب آقای روحانی!

کدام عقل سليم و کدام سیاستمدار زبده و کدام ابجده‌خوان دنیا را سیاست، خود و کشورش را در عرصه سیاست خارجی چنین نابلدانه که جنا بعالی می‌اندیشید و می‌فرمایید، خلع سلاح می‌کند؟
متوجه فرمایش عوامانه خود هستید!

صورت ساده فرمایش جنا بعالی بدان می‌ماند تا بگوئیم چه نیازی به دو دست داریم وقتی با یک دست هم می‌توانیم کارهای مان را انجام دهیم و پس بی‌آیم دست دیگرمان را قطع کنیم!

جناب رئیس جمهور تقابل و تعامل هر دو ابزارهای سیاست خارجی بوده که به اقتضا و حسب نیاز هر کدام در جای خود لازم بوده و در جای خود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جناب آقای رئیس جمهور!

متوجه هستید که با منطق مُعَوج جنا بعالی در مواجهه با تهاجم ارتش صدام به ایران لاجرم می‌باشد در فقد عنصر تقابل ذلیلانه متousel به راهکار تعامل با دشمن متجاوز می‌شیدیم؟

جناب آقای رئیس جمهور کاش در تراز یک رئیس جمهور ابراز نظر بفرمایید!

#داریوش_سجادی

از مور تا بن‌هُور!

سخنی با خانم فرزانه روستائی

مخالفت با جمهوری اسلامی همان‌قدر قابل فهم است که متنفر بودن و برنتا بیدن آن بنا به هر دلیلی از جانب غیظ ورزان، قابل هضم!

آنچه در این میان ناوآرد و غیر قابل پذیرش است ناراستی و توسل اپوزیسیون به ابزار نجس و شرف فروشی در مبارزه سیاسی است!

خدا رحمت کند مرحوم عزت‌الله سحابی را که علیرغم همه انتقادات موجه یا ناموجه‌اش به نظام، لakin تا آن اندازه شرف داشت که در مسیر

مخالفتها یش با نظام ارزنی خود را به نجاست ابزاری نیآلود و تا پایان عمر آبرومندانه در کشور ماند و با فصاحت اذعان داشت: مبارزه سیاسی با نظام در خارج از کشور حرف مُفت است. اگر عُرضه و شهاست دارید همینجا و در کنار مردم بمانید و از مواضعتان دفاع کنید!

متاسفانه و برخلاف توصیه مرحوم سحابی «لات بازی در کوجهای خلوت» مبدل به تخصص مشتی خودشیفته در خارج از کشور شده که تا وقتی در ایران بودند ریاکارانه از پیاز حکومت ارتزاق کرده و هوسبازانه از سفره نظام لقمه میگرفتند و آنگاه که خیارشان کونه کرد! سر از فرنگ درآورده و با عمیقترين شکل ممکن مبتلا به سندروم «خودزانداری بینی» و «خویش رُستم انگاری» مزمن شدند و با هزاران کیلومتر دور شدن از وطن شجاعتشان فوران کرد و «معركه گرдан و قهرمان» مُشتی بیقهرمان و مفلوکتر از خود، شده‌اند!

ژانگولرهای نظیر معصومه علینژزاد و محمد حسینی طباطبائی و مجتبی واحدی و راشدانها و حقیقتجوها و پیرمودنها و باطیها و نبویها و اره و اوره و شمسی کوره‌ها و مدل به مدل مشنگهای از این مدل در غربت، شاخهای از فقر فضیلت و فقد شرافت اند که میتوانند و میباشد نماد عبرت نسل جوان ایرانی باشند!

نیما زم نیز یکی از میانه همین خویش رُستم بینان و لات‌های کوجهای خلوت بود که اکنون به پایان پروژه خود رسید.

مشکل قبل از چیستی مشکلات روانی این «خویش قهرمان اندیشان» بستره است که این بیماران روانی را اقبال میکند! بدختی اصلی را میباشد در گندآبی کاوید که محتاج رشد و گسترش چنین کرمچاله‌هایی‌اند! گندابههایی که در آن امثال «فرزانه روستائی» بغضشان برای قهرمان پوشالیشان می‌شکند و بوتیمارانه نجوای دلتنگی سر می‌دهند که:

«نام زم از صدر جدول کسانی که برای مردم ایران و آب و خاک ایران از جان مایه گذاشتند و دل سوزانند هیچگاه جا بجا نمی‌شود»!

خیر خا نم روستائی!

دل مویه شما بازتاب بی‌فروغی آسمان بدون ستاره اپوزیسیون خارج از کشورتان است. در چنین وانفسائی مورچه‌ها هفتتیر کش می‌شوند و شیدائیانش آن مور را بن‌هُور می‌انگارند!

#داریوش_سجادی

اسپرم سالاری!

سلطنت طلبان از میانه اپوزیسیون براند از و متنفر از جمهوری اسلامی کُمیک‌ترین و در عین حال رقت‌انگیزترین گروه‌های اند که قبل از فعالیت سیاسی مستحق روان درمانی کلینیک‌الاند!

فرقه‌ای که در قرن ۲۱ و در سپهر و فرآیند رشد و تَطَوُّر دانش و بینش بشری کماکان قائل به «اسپرم سالاری» است! و با این باور که: «احراز شانیت و احصای صلاحیت» و «مبنای حلول پادشاهی و استلزمام جلوس بر مسند فرمانروائی» و «استحقاق خلعت صاحبقرانی» مُحول به «اسپروم تزوئید» سلطان و انتقال بموضع آن «یاخته گداخته» به اعضاء و جوارح آن دردانه و سلطان‌زاده بوده و با چنین پنداشت و باور داشتی «آستان‌بوس» و «یاخته‌دوست» نظام سلطنت می‌باشند!

کُمیک‌ترین بخش داستان آنجاست که فرقه مزبور مدعی است انقلاب اسلامی یک سناریوی آمریکائی بود و کاخ سفید در نشست گوادالوب وقتی متوجه شد محمدرضا پهلوی می‌خواهد از آن به بعد «نفت را در اوپک گران کند» دستور عزل وی را دادند و این منوال نقطه آغاز زوال آن سلطان شد!

احتجاج سلطنت طلبان در حالی است که تا قبل از انقلاب اسلامی قیمت هر بشکه نفت تنها ۲ دلار بود و در ماجراهای تحریم نفتی اعراب حد اکثر به بشکه‌ای ۱۲ دلار رسید و سلطنت طلبان مزبور در الفبای احتجاج خود مانده‌اند که اگر شاه توسط آمریکا و به «جُرم تمايل به افزایش قیمت نفت» ساقط شد پس چرا از فردای تاسیس جمهوری اسلامی قیمت نفت نه تنها کاهش نیافت بلکه بشدت افزایش پیدا کرد و دیگر هرگز به بهای نازل زمان سلطنت اعلیٰ حضرت‌شان نرسید؟

حال بگذریم از این نکته که اساساً چرا شاهشان برآمده از فرآیندی بود که واشنگتن به راحتی می‌توانسته ماندن با نماندن وی در قدرت را با یک نشست و برخاست در گوادالوب عهده‌داری کند؟

اما مهم‌تر آنکه سلطنت طلبان مزبور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شال و کلاه کردند و رحل اقامت در جوار همان ایالات متحده افکندند و ۴۰ سال هم هست که علیرغم تحفظ غیط و نفرت‌شان از آمریکای بزعیم‌شان

«شاھخوار» باز هم کاسه گدائی نزد واشنگتن گرفته و از کاخ سفید تکدی محبت و مطالبه شفقت بمنظور بازتولید سلطنت در ایران می‌نمایند!

(از سلسله مقالات اپوزیسیون شناسی)

#داریوش_سجادی

دستگیری روح الله زم

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_15-22_45_26_356_Tly.mp4

سیاست جنگ طلبانه علیه ایران

[برای مشاهد ویدیو روی نوشته کلیک نمایید.](#)

از چپ خط امام تا چپاول خط امام!

محمد سلامتی دبیر کل سازمانی که زمانی طلايه‌دار چپ خط امامی بود طی مصاحبه با خبرآنلайн، استحاله طبقاتی این سازمان را بدینگونه کالبدشکافی کرده: جامعه ما در دهه ۶۰ اکثریتاش طبقه متوسط نبود. اما اکنون اکثر مردم طبقه متوسط اند. آن موقع که ما حرف میزدیم چون طبقه مستضعف

اکثریت بود، ما هم دنبال خواست اکثریت بودیم. اما حالا ساختار جامعه تغییر پیدا کرده و همین موجب میشود که شما وقتی به دنبال تحقق منافع اکثریت جامعه هستی، به خواستهای طبقه متوسط توجه کنید. مسئله اصلی طبقه متوسط، عمدتاً مسائل فرهنگی است؛ اما مسئله اصلی طبقه محروم، اقتصاد است.

برخلاف ادعای آقای سلامتی چپ خط امامی و اساساً هیچ نحله فکری اصیلی نمیتواند برخوردار از مواضع خیزرانی بوده تا به اقتضای مطالبات زمانه موجسواری و جهش طبقاتی کند.

برخلاف توجیهات دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چنین موتاسیونی را ابن‌الوقتی، اصول فروشی و زیست ژلاتینی اطلاق میکنند که محمول کجروی بعد از ۷۶ بود که فاتحان انتخابات را در سودای تداوم کامشادی مبتلا به دگردیسی کرد.

برخلاف اجتهاد ناراست سلامتی، چپ خط امامی با اتکای مبانی اندیشه‌گی و عمق معرفت شناسانه از مفاهیم و مبانی اعتقادی مرحوم امام تا آن اندازه برخوردار از استحکام عقیدتی بود و هست تا نه کامشادی‌های سیاسی و نه ناکامی‌های متقابل، بتواند ایشان را دچار شیفت گفتمانی و جامپ طبقاتی کند.

اتفاقی که برای مجاهدین انقلاب افتاد آن بود که سورپرایز ۷۶ ایشان را دچار بدآموزی کرد و از آن تاریخ آموختند میتوان برای پیروزی بر رقیب با بیووعی به پرنسبیها «راهبری توده‌ها» را با «پیروی از توده‌ها» ما به ازا کرد تا از آن طریق بتوان بر تاری اقبال توده‌ها نشسته و به رقیب شکلک درآورد!

تنها نکته قابل وثوق در اظهارات سلامتی آنجاست که اگر ایشان اولویت‌گذاری «هرم مزلو» را برسمیت میشناسد که حسب این مصاحبه برسمیت شناخته‌اند و اگر بپذیریم بدنه اجتماعی اصلاح طلبان مزبور «اکثریت و متعلق به طبقه متوسطند» در آن صورت کلیت این مجموعه را باید در کارنامه موفق جمهوری اسلامی تعریف کرد که این توفیق را داشته با گذشت ۴۰ سال از انقلاب نهايتا کشوری را بسازد که اکثریت در آن طبقه متوسطند. طبقه‌ای که حکومت «مطابق هرم مزلو» توانسته نیازهای اولیه اعم از نیاز امنیتی و اقتصادی و معیشتی‌اش را تامین کند و اکنون دغدغه اصلی‌اش مطالبات فرهنگی است.

#داریوش_سجادی